

فصلنامه علمی- پژوهشی ره یافت

سال دوازدهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۷
صفحه ۲۷ تا ۴۲

مناسبات امرسیاست و اخلاق در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) با تاکید بر کتاب شرح چهل حدیث

حسین احمدی سفیدان / استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز

ho.ahmadi@tabrizu.ac.ir

چکیده

بررسی رابطه امرسیاست و اخلاق در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) دغدغه این پژوهش است. از روش هرمنوتیک متن محور به مثابه روش تحلیل و از نظریه دو فطرت به مثابه چارچوب نظری استفاده شده است. این نظریه بر اساس فطرت اولیه به دو قسمت فطرت مخموره و محجوبه تقسیم می‌شود. نظر به اهمیت این موضوع این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است: «مناسبات امرسیاست و اخلاق در اندیشه سیاسی امام خمینی چیست؟» یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد علم سیاست جزو علوم نافع و متکفلان آن انبیاء و ائمه اطهار و به تبع آن ولی فقیه، در واقع راهبر جامعه به صراط مستقیم است. براساس فطرت مخموره و محجوبه، در انسان چهار قوه عاقله، غضبیه، شهوت و وهم قابل شناسایی است. امرسیاست و قوای انسان به شکل پیچیده‌ای درهم تنیده شده‌اند. در امور سیاسی بدون توجه به فضایل و رذایل اخلاقی گام برداشتن در صراط مستقیم امری دشوار است. تشکیل حکومت اسلامی و توجه به امرسیاست موجب افزایش فضایل اخلاقی و کاهش رذایل اخلاقی می‌شود. از سوی دیگر گسترش فضائل اخلاقی باعث حاکمیت سیاستمداران و مدیران بافضیلت و شایسته می‌شود. تعالی اخلاق، تعالی سیاست و تعالی سیاست تعالی اخلاق را بر عهده دارد.

کلیدواژه: امرسیاست، اخلاق، اندیشه سیاسی، امام خمینی(ره)، کتاب شرح چهل حدیث، فطرت.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۷/۰۸

مقدمه

کتاب ارزشمند *چهل حدیث* امام خمینی (ره)، مجموعه‌ای مجزا از هم نیست و از همگونی، یکدستی و انسجام برخوردار است. ایشان در کتاب *چهل حدیث* مطالب تازه خود را طوری مطرح می‌فرمایند که تمایز با دیگر کتاب‌های مشابه را نمایان می‌سازد. در این کتاب استفاده از ادبیات فارسی، ادبیات عرب، مهارت و امانت‌داری در ترجمه متون، شرح وافیه عبارات عربی، اخلاقی، عرفان‌نظری، فلسفی، کلامی، تفسیری و دیگر مسائل به وضوح به چشم می‌خورد. اگرچه *چهل حدیث* کتابی اخلاقی است، اما کارکرد کتاب اخلاق از نظر امام با کارکردهایی که در این کتاب‌ها در نظر گرفته می‌شود متفاوت است. سی و سه حدیث این کتاب، به طرح و توضیح زشتی‌ها و نادرستی‌ها و آفات اخلاق و راه‌های نجات و رهایی انسان از آن‌ها مربوط است. هفت حدیث دیگر درباره اصول اعتقادی و دین‌شناسی فراهم آمده و در آن‌ها مسائل پیچیده فلسفی، کلامی و عرفانی مطرح شده است. تاریخ پایان تألیف کتاب اربعین ۱۳۵۸ ق است. چهار حدیث آن توسط آقای فهری تحقیق و در ۲۲۴ صفحه چاپ شد و سپس حدود بیست حدیث آن در مجله *اعتصام*، چاپ گشت و بالاخره همه *چهل حدیث*، در دو جلد توسط انتشارات «طه» در سال ۱۳۶۶ منتشر شد. این اثر سپس با چاپ بهتری توسط مرکز نشر فرهنگی رجاء، در ۵۵۶ صفحه در یک جلد منتشر شد. فهرست احادیث این کتاب بسیار ارزنده از این قرار است: جهاد نفس، ریا، عجب، کبر، حسد، حب دنیا، غضب، عصبیت، نفاق، هوای نفس، فطرت، تفکر، توکل، خوف و رجاء، امتحان، صبر، توبه، ذکر خدا، غیبت، اخلاص، شکر، کراهت از مرگ، اصناف طالبان علم، اقسام علم، وسواس، فضیلت علم، عبادت و حضور قلب، لقاءالله، وصیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت امیر علیه‌السلام، اقسام قلوب، عدم شناخت حقیقی خدا و رسول و امام مؤمن، یقین و حرص و رضاء، ولایت شرط قبول اعمال، حال مؤمن نزد خدا، معرفت حق و اسمای او، معرفت حق و صفات او، طریق معرفت حق تعالی و اولی‌الامر، خداوند آدم را به صورت خود آفرید، خیر و شر، حقیقت توحید. با توجه به اهمیت موضوع، تعریف سیاست، امر سیاست و اخلاق، از منظر امام خمینی ضروری به نظر می‌رسد. امام خمینی (ره) در یک تعریف کلی سیاست را به روابط بین حاکم و ملت و روابط بین حاکم با سایر حکومت‌ها برای جلوگیری از مفاسد تعریف می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۲۸). امر سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

به مثابه حکومت داری و رهبری حوزه عمومی است. از این رو سیاست را خدعه نمی‌داند بلکه یک حقیقتی می‌داند که در اسلام وجود دارد و بوسیله عاملان آن تحقق می‌یابد. «سیاست خدعه نیست، سیاست یک حقیقتی است، سیاست یک چیزی است که مملکت را اداره می‌کند؛ خدعه و فریب نیست؛ این‌ها همه‌اش خطاست. اسلام، اسلام سیاست است، حقیقت سیاست است، خدعه و فریب نیست.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۱۲۵).

امر سیاست به مثابه راه بردن و هدایت جامعه در مسیری که صلاح جامعه و صلاح افراد است و این مختص انبیاء، اولیا و به تبع آن‌ها به علمای بیدار اسلام است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ۴۳۲).

اخلاق جمع «خلق» و به معنای نیرو و سرشت باطنی است که صرفاً با بصیرت ظاهری نمی‌توان آن را درک کرد. در مقابل، خلق به صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵: ۱۵۹).

امام خمینی در تعریف اخلاق آن را تعادل قوای آدمی و رسیدن به عدالت و رعایت حد و وسط می‌داند. (خمینی، ۱۳۷۰: ۴۵). هر کدام از قوای چهارگانه انسان یعنی قوه عاقله، قوه غضب، قوه شهوة و قوه وهم دارای فضایل و رذایل اخلاقی است که در امر سیاست مداخلت تام دارد. اخلاق در سیاست خصلت درمان‌گری دارد مشروط بر اینکه سیاست در خدمت اخلاق باشد نه اخلاق در خدمت سیاست.

به طور کلی، در مورد نسبت اخلاق و سیاست دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد یکی از آن‌ها رهیافت وحدت اخلاق و سیاست است. بدین سان که هر دو در تلاش برای سعادت انسانند در این رهیافت اخلاق و سیاست در یکدیگر تنیده شده‌اند و نمی‌توانند ناقض یکدیگر باشند. با توجه به پیچیدگی و درهم تنیده‌گی قوای انسان، چگونه می‌توان این رهیافت را در اندیشه سیاسی امام خمینی مورد بررسی قرار داد.

سؤال اصلی مقاله این است: امر سیاست و اخلاق در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چه نسبتی دارد؟ مسئله پژوهش بازخوانی رابطه امر سیاست و اخلاق در اندیشه سیاسی امام خمینی با تأکید بر کتاب شرح چهل حدیث است. فرضیه پژوهش این است: امر سیاست و اخلاق در اندیشه سیاسی امام خمینی به شکل پیچیده‌ای درهم تنیده و تفکیک‌ناپذیرند. برای اثبات فرضیه از نظریه دو فطرت به عنوان چارچوب نظری و از هرمنوتیک متن محور به عنوان روش استفاده شده است.

چارچوب نظری

نظریه دو فطرت

از کتاب شرح جنود عقل و جهل امام خمینی (ره) به مثابه چارچوب نظری تحقیق در نظر گرفته شده است. این نظریه بر اساس فطرت اولیه به دو قسمت فطرت مخموره و محجوبه تقسیم می‌شود. خیر عبارت از فطرت مخموره است، و شر عبارت از فطرت محجوبه است. حق- تبارک و تعالی- با عنایت و رحمت خود، به ید قدرت خود، که طینت آدم اول را مخمّر فرمود، دو فطرت و جبلت به آن مرحمت نمود: یکی اصلی، و دیگری تبعی، که این دو فطرت، براق سیر و رفرف عروج او است به سوی مقصد و مقصود اصلی. و آن دو فطرت، اصل و پایه جمیع فطریاتی است که در انسان مخمّر است و دیگر فطریات، شاخه‌ها و اوراق آن است. یکی از آن دو فطرت- که سمت اصلیت دارد- فطرت عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه است که در کانون جمیع سلسله بشر، از سعید و شقی و عالم و جاهل و عالی [و] دانی، مُخمّر و مطبوع است. و اگر در تمام سلسله بشر، انسان تفحص و گردش کند و جمیع طوایف متشکّته و اقوام متفرقه در عالم را تفتیش کند، یک نفر را نیابد که به حسب اصل جبلت و فطرت، متوجه به کمال و عاشق خیر و سعادت نباشد. (خمینی، ۱۳۸۲: ۷۷) از نظریه دو فطرت، نظریه یگانگی ذاتی تمام انسان‌ها قابل استنباط است. بر اساس این نظریه برای انسان چهار قوه که مطابق با فطرت است قرار می‌دهد که اولی قوه عاقله است که در زیر مجموعه فطرت مخموره قرار می‌گیرد، و انسان را به کمال مطلق هدایت می‌کند. بقیه سه قوه یعنی قوه شیطنت، قوه غضب و قوه شهوت را در زیر مجموعه فطرت محجوبه قرار می‌دهد.

ردیف	انواع فطرت		
۱	فطرت مخموره	وجهه به عالم	فطرت عشق به کمال
		غیب و روحانیت؟	فطرت تنفر از نقص
۲	فطرت محجوبه	وجهه به عالم و شهادت و طبیعت.	نفس بهیمی
			نفس سبعی
		قوه شهوت	عشق به کمال غیر حقیقی
		قوه غضب	تنفر از نقص غیر حقیقی
		قوه شیطنت	عشق به کمال غیر حقیقی
			تنفر از نقص غیر حقیقی

هرمنوتیک متن محور

نظر به اینکه موضوع این پژوهش، در حوزه مطالعاتی اندیشه سیاسی قرار دارد از اینرو بهترین روش تحلیلی برای فهم مناسبات امرسیاست و اخلاق در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، هرمنوتیک متن محور است. هرمنوتیک روشی برای فهم و ادراک و نه منحصرآ متون نوشتاری و معنایی متن است (حریری، ۱۳۸۵: ۲۸۱). هرمنوتیک دامنه گسترده‌ای دارد و نحله‌های مختلفی دارد. در این پژوهش از هرمنوتیک روشی (مولف محور، متن محور، مفسر محور) به مثابه روش تحلیل استفاده شده است. لازم به توضیح است که همه نحله‌های فکری هرمنوتیک قابلیت کاربرد در مطالعات اسلامی را ندارد. هر چند پژوهش‌های اسلامی با برخی گونه‌های این روش، بیگانه نیست به نوعی مطالعات تفسیری پژوهشگران اسلامی شبیه نظریه‌های هرمنوتیک است. گرچه نام هرمنوتیک بر آن نهاده باشند. (واعظی، ۱۳۸۹: ۵۲) از اینرو از هرمنوتیک روشی می‌توان در تحلیل متون دینی استفاده کرد (ر.ک. حقیقت، ۱۳۸۵: ۴۶۰-۴۴۲) در این پژوهش از نظریه دو فطرت به مثابه چارچوب نظری و از هرمنوتیک متن گرا به مثابه روش استفاده شده است.

امر سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره)، دین اسلام را دین سیاست می‌داند، دینی است که در احکام او، در مواضع او، سیاست به وضوح دیده می‌شود. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۳۳۴) امام خمینی به نقل از الکافی (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۶۵) و مجلسی در بحارلأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۳۲۸) آورده است که آن‌ها معتقد به تفویض امر سیاست به پیامبر و ائمه معصومین شده اند: «تفویض امر سیاست و تعلیم و تأدیب خلق به آن حضرت شده است، یا تفویض بیان احکام و اظهار آن، یا عدم اظهار آن به حسب مصالح اوقات، مثل زمان تقیه، به آن حضرت و سایر معصومین شده است. (مجلسی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۴۵). ولی در هیچ‌یک از این وجوهی که ذکر شد بیان چگونگی تفویض امر سیاست بیان نشده است. امام خمینی متعقد است امور سیاسی که از وظایف انبیاء و ائمه اطهار است به تبع در دوران غیبت به فقهای دین تفویض شده است. اسلام تمامش سیاست است، سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۷۰). در کتاب چهل حدیث در کنار مباحث اخلاقی و عرفانی با ظرافتی خاص به طرح مسائل اندیشه سیاسی پرداخته‌اند که بررسی آن‌ها نیاز به دقت فراوان دارد. مسائلی نظیر علم سیاست و جایگاه آن در میان علوم شرعی، امکان

حرکت و قیام علیه ستمگران و حکام جور، نتیجه حکومت ستمگران و ضرورت قوه مجریه و ولایت فقیه از جمله موضوعاتی است که در کتاب *چهل حدیث* از آن سخن رانده است.

علم سیاست به مثابه علم نافع

از مسائلی که در کتاب *چهل حدیث* در حوزه سیاست به چشم می‌خورد، دیدگاه امام درباره علم سیاست است. امام خمینی با تمسک به حدیثی از پیامبر گرامی اسلام، علوم را به سه دسته تقسیم می‌کند: «انما العلم ثلاثة: آیه محکمه، او فریضة عادله، او سنه قائمه، و ما خلاهن فهو فضل» (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۸۵). ایشان در یک تقسیم‌بندی دیگر علوم را به سه دسته (علوم نافع، علوم مضر، علوم نه مضر و نه نافع). (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۸۶) تقسیم می‌کند و با توجه به این تقسیم‌بندی، علوم مورد اشاره در حدیث پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را جزء علوم نافع می‌داند. ایشان در این زمینه چنین می‌فرمایند: «کلیه علوم نافع منقسم شود به این سه علم، یعنی علمی که راجع است به کمالات عقلیه و وظایف روحیه علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف آن است و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است» (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۸۶) به قول امام، علمی که راجع به تربیت ظاهر و ارتیاض آن است علم فقه و مبادی آن و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن که متکفل آن علمای ظاهر و فوفا و محدثین هستند پس از انبیا و اوصیا علیه‌السلام (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۷۸). کسی گمان نکند که بدون اعمال ظاهریه و عبادات قلبیه می‌تواند دارای ایمان کامل یا خلق مهذب شود، یا اگر خلقش ناقص و غیر مهذب شد، اعمالش ممکن است تام و تمام و ایمانش کامل شود، یا ممکن است بدون ایمان قلبی اعمال ظاهریه‌اش تام و محاسن اخلاقیه‌اش کامل گردد. وقتی اعمال قلبیه ناقص شد و مطابق دستورات انبیا نگرديد، احتجاجاتی در قلب و کدوراتی در روح حاصل می‌شود که مانع از نور ایمان و یقین می‌شود. و همین طور اگر اخلاق رذیله در قلب باشد، مانع از ورود نور ایمان است در آن. پس، بر طالب مسافرت آخرت و صراط مستقیم انسانیت لازم است که در هر یک از مراتب ثلاثه با کمال دقت و مواظبت توجه و مراقبت کرده و آن‌ها را اصلاح کند و هیچیک از کمالات علمی و عملی را صرف نظر ننماید. (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۸۸).

قوه عملی، قوه‌ای است که نفس به وسیله آن، رابطه‌اش را با جنبه مادون خود برقرار می‌سازد. جنبه مادون نفس، بدن است و این رابطه، سیاست نام دارد. اما قوه نظری قوه نفس است ... بدین ترتیب می‌توان گفت: قوه نظریه، قوه‌ای است که به تکمیل جوهر نفس

می‌پردازد، ولی قوه عملیه کار تدبیر بدن را به گونه‌ای انجام می‌دهد که سرانجام آن را به کمال نظری برساند. امام در *چهل حدیث* با اشاره به حدیث فوق چنین می‌نویسد: «بدان که «آیه محکمه» عبارت است از علوم عقلیه و عقاید حقه و معارف الهیه و «فریضه عادل» عبارت است از علم اخلاق و تصفیه قلوب و «سنت قائمه» عبارت است از علم ظاهر و علوم آداب قالبیه فردیه و اجتماعی، سیاسی و مدنی» (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۹۱). بدین ترتیب امام با مشخص ساختن جایگاه علم سیاست که همان تدبیر امور سیاسی است، آن را از علوم نافع دانسته و وجود آن را برای جامعه ضروری می‌داند.

متکفلان علم سیاست

در ذیل حدیث ۲۴ کتاب شرح *چهل حدیث* «قال النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةُ مُحْكَمَةٍ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ، وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ.» (اصول کافی، ج ۱: ۳۲) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: همانا علم منحصر است به سه چیز: آیه محکمه یا فریضه عادل یا سنت قائمه و غیر از این‌ها فضل است. (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۸۵). به‌عنوان یکی از دانش‌های مفید برای انسان اشاره شده است، متکفلانی نیز برای این علم معین نموده‌اند. اشاره گردید، امام در توضیح علوم به سه نوع علم اشاره کرده است. در توضیح نوع سوم از علم چنین آورده‌اند: علمی که راجع به تربیت ظاهر و ارتیاض آن است علم فقه و مبادی آن و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن که متکفل آن علمای ظاهر و محدثین هستند پس از انبیا و اوصیا علیه‌السلام. (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۸۷).

اگرچه امام به بحث ولایت فقیه در این قسمت اشاره ننموده‌اند و در کتاب‌های دیگر همچون *کتاب‌البیع* به صورت مبسوط وارد این بحث شده‌اند، در کتاب *چهل حدیث* به صورت گذرا به جایگاه فق‌ها به‌عنوان متکفلان علم سیاست در جامعه اشاره نموده‌اند. وجود چنین عبارتی در کتاب *چهل حدیث* که در سال ۱۳۱۸ شمسی نوشته شده است، ما را به فهم ثبات یا تحول در اندیشه سیاسی امام خمینی رهنمون می‌سازد. «امام خمینی نگاهی فضیلت‌گرا و آرمانی به آینده جامعه اسلامی دارد (نادری و حاجی حسن، ۱۳۹۵: ۱۱۱). اینکه فق‌ها بعد از پیامبر و اوصیاء، متکفل تدبیر سیاست مدن است. دلیلی بر نامشروع دانستن حکومت سلطنتی است. در حقیقت وجود چنین عبارتی در آن مقطع تاریخی، نشان می‌دهد که نگاه ایشان در مورد ولایت فقیه در طول زمان ثابت بوده است و متناسب با زمان‌های مختلف کیفیت اجرا و چگونگی کاربست آن بیان شده است.

امرسیاست و قوای انسان

امام خمینی در شرح کتاب *چهل حدیث* در زمینه توضیح برخی از قوای انسان و فواید و مضرات آن در اخلاق، اشاره‌ای به تأثیر این قوا در امر حکومت و سیاست دارد. با توجه به سیاق عبارات می‌توان نتیجه گرفت که منظور از حکومت همان حکومت اسلامی است.

امرسیاست و قوه عاقله

جایگاه عقل در اسلام تا بدانجا است که آن را پیغمبر درون نام نهاده‌اند و در متون دینی آمده است: خدای را بر بندگان خود دو حجت است: حجتی بیرونی و حجتی درونی. حجت بیرونی همان پیامبران و امامان‌اند و حجت درونی عقل مردمان است. «ان لله علی الناس حجتین حجه ظاهره و حجه باطنه، فاما الظاهره فالرسول والانبیاء والائمة و اما الباطنه فالعقول.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۱۶۲). امام خمینی در زمینه اهمیت قوه عاقله و تفکر این پرسش را مطرح می‌کند: آیا انبیاء کرام و اولیاء معظم و حکمای بزرگ و علمای هر ملت که مردم را دعوت به قانون عقل و شرع می‌کردند و آن‌ها را از شهوات حیوانی و از این دنیای فانی پرهیز می‌دادند با آن‌ها دشمنی داشتند و دارند، یا راه صلاح ما بیچاره‌های فرورفته در شهوات را مثل ما نمی‌دانستند؟ امام خمینی، عقل را به نظری و عملی تقسیم می‌کند و غایت هر دو عقل را یکی می‌داند ولی معتقد است کمال انسان به عقل عملی است (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۴۱). عقل عملی دانشی است که مؤدی به حسن تدبیر در زندگی سیاسی است. حسن تدبیر نوعی درست عمل کردن است؛ از آن حیث که آدمی را به سوی هدفی رهنمون می‌کند که عقل عملی به درستی دریافته است (فیرحی، ۱۳۷۸: ۳۰۴). علامه طباطبایی؛ عقل عملی را نیرویی می‌داند که می‌تواند میان خیر و شر و نافع و ضار تفکیک کند و تسلیم هواهای نفسانی نشود (طباطبایی، ج ۱۳: ۱۵۶).

تن‌ها راه پیروزی اصل خیر در وجود انسان بر شرور، تأسیس «جامعه عقلانی» و سپردن تمامی امور به دست عقل است. کانت چهار وضعیت برای زندگی انسان در نظر می‌گیرد و رشد تاریخی انسان را انتقال از وضعیت طبیعی حقوقی، به وضعیت مدنی اخلاقی (مشترک المنافع) می‌داند. استقرار مرحله چهارم مستلزم یک قانون‌گذار عام اخلاقی است که چون

۶. وضعیت طبیعی حقوقی؛ ۲. وضعیت طبیعی اخلاقی؛ ۳. وضعیت مدنی حقوقی؛ ۴. وضعیت مدنی اخلاقی (حاکمیت الهی طبق قوانین عقل عملی - اخلاقی)

نمی‌توان آن را از وجود فردی انسان‌ها استنتاج کرد؛ باید او را به‌عنوان مدیر و مدبر (نه واضع) قوانین اخلاقی فرض کرد. احکام عقلانی این قانون‌گذار، توسط یک سازمان روحانی و معنوی (مثلاً کلیسا)، در جامعه مشترک المنافع به اجرا درمی‌آید. (کانت، ۱۳۸۱: ۳۳). آسیب‌پذیری عقل، تن‌ها در مقابل امیال و غرایز نیست. عقل هنگامی که با عادات و رسوم، چگونگی تعلیم و تربیت، شرایط اقتصادی، حالات مختلف زندگی، اقتضائات خاص زمانی و مکانی، مواجه می‌گردد، تأثیر و رنگ می‌پذیرد. (جوان آراسته، ۱۳۸۹: ۵۶).

در صورتی که سیاست‌های اخلاقی با رویکرد بسط عقلانیت که ابزار گسترش فضائل و جنود عقل است، از سوی دولت اسلامی پیگیری شود. زمینه ساز مدینه فاضله خواهد شد در مدینه فاضله آراستگی به فضائل و پیراستگی از رذائل وجود دارد. سخن از بسط عقلانیت انتزاعی و ذهنی و مفهومی نیست، بلکه عقلانیت از تفکر متولد می‌شود. (لک زایی، ۱۳۹۲: ۶۹). در هر حال از خدای خود با عجز و زاری تمنا کن که تو را آشنا کند به وظایف خودت که باید منظور شود مابین تو و او. و امید است این تفکر که به قصد مجاهده با شیطان و نفس اماره است، راه دیگری برای تو بنمایاند و موفق شوی به منزل دیگر از مجاهده. (خمینی، ۱۳۷۰: ۱۴). انسان با بهره‌گیری از قوه عاقله به ضرورت هدایت در صراط مستقیم پی می‌برد از اینرو سراغ هادیانی می‌رود که او را هدایت کند. با علم ضروری در می‌یابد که شریعتی از طرف خدا در بین بشر باید باشد تا بوسیله آن به سمت کمال رهنمون شد. استفاده از عقل به انسان کمک می‌کند در مسیر صراط مستقیم، بهترین انتخاب را در تدبیر منزل و سیاست مدن داشته باشد.

امر سیاست و قوه غضبیه

امام خمینی (ره) در حدیث هفتم کتاب شرح چهل حدیث: «قال الصادق (علیه السلام): «الغضب مفتاح کل شر». ترجمه «حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «خشم کلید همه شرهاست.» (اصول کافی، ج ۲: ۳۰۳). درباره غضب این قوه را از نعمات الهی برمی‌شمارد. ایشان سپس با ظرافتی خاص نعمت غضب را به مسئله حکومت و حاکمیت پیوند می‌زند، از جمله ایشان در بیان فواید قوه غضبیه چنین می‌فرمایند: «اداره امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود و تعزیرات و سایر سیاسات دینیه و عقلیه نشود مگر در سایه قوه شریف غضبیه. پس آن‌ها ... جهاد با اعدای دین و حفظ نظام عایله بشر و ذب از جان و مال و ناموس و سایر نوامیس الهیه و جهاد با نفس که اعدای عدو انسان است، صورت

نگیرد مگر به این قوه شریفه. حفظ تجاوزات و تعدیات و حدود و ثغور و دفع موزیات و مضرات از جامعه و شخص در زیر پرچم این قوه انجام گیرد.» (خمینی، ۱۳۷۰: ۱۱۴).

آنچه امام در این زمینه بیان فرمودند مربوط به حفظ حدود بلاد اسلامی به مثابه مسأله سیاسی است. در حقیقت امام در این مقال به موضوعی اشاره نموده‌اند که مربوط به حاکمیت سیاسی است و زمینه‌ای برای تلاش مسلمانان در حفظ بلاد اسلامی است.

قوه غضب به‌عنوان امری ضروری برای حاکم اسلامی است به قول ایشان، حاکم جامعه اسلامی برای حفظ بلاد اسلامی و جلوگیری از آشفتگی نیازمند قوه غضبیه است. «بدان که قوه غضبیه یکی از نعمات بزرگ خداوند است که به واسطه آن تعمیر دنیا و آخرت شود و ... و مدخلیت عظیم در تشکیل مدینه فاضله و نظام جامعه دارد.» (خمینی، ۱۳۷۰: ۴۰). «بدان که قوه غضب نباید کاملاً پاک شود، چرا که فوایدی برای جامعه دارد؛ مانند دفع مضرات از جامعه و شخص و جهاد با دشمنان دین و حفظ ناموس، بوسیله این قوه انجام گیرد.» (خمینی، ۱۳۷۰: ۱۳۵). فضیلت قوه غضبیه شجاعت است و رذایل آن جسارت و ترس است. وجود قوه غضب در امر سیاست مدخلیت تام دارد و از ملزومات آن به شمار می‌رود.

امرسیاست و قوه شهوت

امام خمینی در کتاب چهل حدیث یک فصل به قوه شهوت و اینکه منشأ چه رفتارهای اخلاقی است اهتمام ورزیده. قوه شهوت در امرسیاست انسان را وادار به پذیرفتن اطاعت اشخاصی می‌نماید که در صراط مستقیم الهی نیستند حقیقتاً انسان را عار آید که به واسطه شکم خود یا راه انداختن شهوت خویش این قدر ذلت و خواری به خود راه دهد، و از این مخلوق بی‌همه چیز و فقرای بیدست و پا و اذلاء بیدانش و بینش منت کشد. منت اگر می‌کشی، از غنی مطلق و خالق سماوات و ارض بکش، که اگر توجه به ذات مقدس او پیدا کردی و دلت خاضع در محضر او گردید، از هر دو عالم واره‌ی و طوق عبودیت مخلوق را از گردن بیرون کنی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: العبودیه جوهره کنه‌ها الربوبیه) مصباح الشریعه، بی تا: ۵۳۶). «قوه شهوت» ممکن است منشأ جاه طلبی باشد. امام خمینی می‌فرماید: کسی که دارای حب جاه و ریاست است و این حب ملکه نفسانیه و شاکله روح او شده است، غایت آمال او رسیدن به آن مطلوب است، و افعال صادره از او تابع آن غایت است و داعی و محرک او همان مطلوب نفسانی است و اعمال او برای وصول به آن مطلوب از او صادر گردد. (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۶۹) اوّلین درجه ربوبیت و خداوندگاری که در نتیجه

عبودیت پیدا می‌شود این است که انسان ربّ و مالک نفس خودش می‌شود، تسلط بر نفس خودش پیدا می‌کند. یکی از بیچارگی‌های ما که کاملاً احساس می‌کنیم این است: زمام نفس خودمان در اختیار ما نیست، اختیار خودمان را نداریم؛ اختیار زبان خودمان را نداریم، اختیار شهوات خودمان را نداریم... و این نهایت بدبختی است. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۳: ۴۷۰). بندگی خدا گوهر گرانبهایی است که باطن آن آزادی و ربوبیت است. ای بسا قدرتمندان و دارای سلطنتهای ظاهره که از حریت و آزادی نفس و بزرگواری و بزرگمنشی بویی نبردند و بنده ذلیل و عبد مطیع نفس و هوی هستند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵۳۶). از خدای خود غافل مشو و حریت و آزادی خود را حفظ کن و قید عبودیت و اسارت را از گردن خود بردار و در جمیع احوال آزاد شو. (خمینی، ۱۳۷۰: ۲۵۷). قوه شهویه معتدله در تشکیل و حفظ نظام خانواده و نظام مدینه فاضله و تربیت نفوس مدخلیت تام دارد و ابقای شرافت و سعادت دنیا و آخرت به سبب این قوه است. (لک زایی، ۱۳۹۴: ۱۲۳) رذائل قوه شهوت جاه طلبی و پست همتی است و فضیلت قوه شهوت عفت و شرافت است. برآیند قرار گرفتن قوه شهوت، زیر پرچم عقل و شرع شکل‌گیری حکومت حقه عادلانه است که انسان را از جاه طلبی و پست همتی دور می‌کند و مسیر سعادت را برایش هموار می‌سازد.

امر سیاست و قوه وهم

قوه وهم را سلطان قوای ظاهری و باطنی بدن نامیده‌اند. «بدان که وهم سلطان قوای ظاهره و باطنه نفس است» (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۴۵). پس اگر وهم حکومت نمود در آنها به تصرف خود یا شیطان، این قوا جنود شیطان گردند و مملکت در تحت سلطنت شیطان واقع شود (خمینی، ۱۳۷۰: ۱۲) در این صورت حکمت تعطیل می‌شود. و حکمروایی قوه واهمه شروع می‌شود. رذائل اخلاقی بر فضائل اخلاقی تسلط پیدا می‌کند. اما اگر وهم در تحت تصرف عقل و شرع قرار گیرد مملکت رحمانی و عقلانی می‌شود و شیطان و جنودش از آن رخت برمی‌بندند. ملاصدرا، در «مبدأ و معاد»، قوه وهم را از قوایی دانسته که با قوه عاقله منازعه می‌کنند. در انسان چیزی هست که با عقل منازعه می‌کند (صدرالمتالهین، ۱۳۵۴: ۲۴۹). تسلط شیطان بر بیشتر مردم نیز از این رهگذر است که شیطان، قوای بدنی را مسخر خود می‌گرداند، خصوصاً قوه وهمیه را (صدرالمتالهین، ۱۳۵۴: ۱۹۷). با توجه به اینکه امام خمینی پیرو مکتب صدرایی است ایشان نیز این نزاع را قبول دارد. و معتقد است: انسان میدان جنگ این دو طایفه است: اگر جنود رحمانی غالب

شد، انسان از اهل سعادت و رحمت است و در سلک ملائکه منخرط، و در زمره انبیا و اولیا و صالحین محشور است، و اگر جنود شیطانی و لشکر جهل غالب آمد، انسان از اهل شقاوت و غضب است. (خمینی، ۱۳۷۰: ۵) شیطان، به علت سنخیت خود با وهم، آن را مسخر خود می‌گرداند و از این رهگذر بر بیشتر انسان‌ها غلبه می‌کند.

قوای سه گانه (وهم و غضب و شهوت) اگر تسلیم عقل شود سعادت و خوشبختی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. انبیا- علیهم السلام- آمدند، قانون‌ها آوردند و کتاب‌های آسمانی بر آن‌ها نازل شد که جلوگیری از اطلاق و زیاده‌روی طبیعت کنند و نفس انسانی را در تحت قانون عقل و شرع درآورند و آن را مرتاض و مؤدب کنند که خارج از میزان عقل و شرع رفتار نکند. (خمینی، ۱۳۷۰: ۲۶) پس هر نفسی که با قوانین الهیه و موازین عقلیه ملکات خود را تطبیق دهد، خوشبخت است و از اهل نجات می‌باشد؛ و الا پناه ببرد به خدای تبارک و تعالی از آن شقاوت‌ها و بدبختی‌ها و ظلمت‌ها و سختی‌ها که در پیش دارد. (همان). بنابراین با توجه به سلطنت قوه وهم بر قوای ظاهری و باطنی، می‌توان آن را «نفس حیوانی» دانست. که نقش اساسی در خطاهای ادراکی و افعال تابع آن دارد.

امرسیاست و صراط مستقیم

امام خمینی (ره) سیاست را به این معنا که جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آن جایی که صلاح جامعه و صلاح افراد است می‌داند. و امر سیاست را برای پیامبر اسلام ثابت شده می‌داند. این در روایات ما برای نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ با لفظ سیاست ثابت شده است. همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می‌شود و ما در نماز می‌گوییم: «اهدنا الصراط المستقیم» و از خدا می‌خواهیم که ملت و اجتماع و اشخاص را راه ببرد به یک صراط مستقیمی که از این جا شروع می‌شود و به آخرت ختم می‌شود و الی‌الله است. این سیاست مختص به انبیا و اولیا است... انبیا شغل‌شان سیاست است و دیانت همان سیاستی است که مردم را از این جا حرکت می‌دهد و به همه چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است، هدایت می‌کند. (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹۲ — ۱۹۳). امام، در واقع راهبر جامعه به صراط مستقیم است. او صراط شناس، راه دان، تکلیف شناس و راه شناس است. بنابراین راه شناسی از ویژگی‌های انبیا و ائمه اطهار و به تبع آن علما و شخص ولی فقیه است. (برزگر، ۲۹۴: ۱۳۹۰). اطاعت در صراط مستقیم از امتثال فرمان الهی آغاز می‌گردد و دارای وجهه ربانی است. و افرادی در راستای این امتیاز قرار می‌گیرند که در رأس آنان نبی اکرم (ص) است و پس از

ایشان افراد برگزیده قرار دارند. «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا اللهَ و أطیعوا الرسولَ و اولى الأمر منکم...» (نساء/۵۹). جای هیچ تردیدی نیست که خدای تعالی از این دستور که مردم او را اطاعت کنند منظوری جز این ندارد که ما او را در آنچه از طریق پیامبر عزیزش به سوی ما وحی کرده اطاعت کنیم و معارف و شرایعش را به کار بندیم. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۳۸۸) از خصوصیات مشترک این دسته آن است که صاحب اقتدار دینی هستند. (احمدی سفیدان، ۱۳۹۶: ۱۰۲). مؤمن تابع انسان کامل است. و انسان کامل چون مظهر جمیع اسماء و صفات و مربوط حق تعالی به اسم جامع است. پس، حق تعالی به مقام اسم جامع و رب الانسان بر صراط مستقیم است، چنانچه فرماید: «إِنَّ رَبِّيَ عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ». «همانا پروردگار من بر راه راست است.» (هود- ۵۶) مؤمنین چون تابع انسان کامل هستند در سیر و قدم خود را جای قدم او گذارند و به نور هدایت و مصباح معرفت او سیر کنند و تسلیم ذات مقدس انسان کامل هستند. (خمینی، ۱۳۷۰: ۵۳۲) اتحاد سالک و صراط همان اتحاد دین و متدین است. صراط همان دین است و دین امری مادی نیست بلکه یک سلسله عقاید، اخلاق و احکام است که همه معنوی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۹۴) پس قلبی که از حق و حقیقت معرض هستند و از فطرت مستقیمه خارج اند و به دنیا مقل و متوجه اند، سایه آن‌ها نیز مثل خودشان از استقامت خارج و منکوس و رو به طبیعت و دنیا، که اسفل السافلین است، می‌باشد، و شاید در آن عالم بعضی با روی خود راه روند و پاهای آن‌ها رو به بالا باشد، و بعضی با شکم‌های خود راه روند، و بعضی با دست و پای خود چون حیوانات راه روند، چنانچه در این عالم مشی آن‌ها چنین بوده: «أَمَّنْ يَمْشِي مَكْبًا عَلِيٌّ وَجْهَهُ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ». (ملک/۲۲) ممکن است این مجاز در عالم مجاز در عالم حقیقت و ظهور و بروز روحانیت حقیقت پیدا کند. و در احادیث شریفه در ذیل این آیه شریفه «صراط مستقیم» را به حضرت امیر المؤمنین و حضرت ائمه معصومین، علیهم السلام، تفسیر فرمودند: عن الکافی یا سناده عن ابي الحسن الماضي، عليه السلام، قال: قلت: «أَمَّنْ يَمْشِي مَكْبًا عَلِيٌّ وَجْهَهُ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ؟» قال: «إِنَّ اللَّهَ ضَرَبَ مَثَلًا مِنْ حَادٍ عَنِ وَاوَايَةِ عَلِيٍّ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَمَنْ يَمْشِي عَلِيٌّ وَجْهَهُ لَا يَهْتَدِي لِأَمْرِهِ، وَجَعَلَ مِنْ تَبِعِهِ سَوِيًّا عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ. وَ «الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْهِ السَّلَامُ. (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۳۲). و در حدیث دیگر است که مقصود از «صراط مستقیم» علی، علیه السلام، و ائمه، علیهم السلام، است. (مجلسی، ج ۲۴: ۱۵). از حضرت رسول اکرم، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

آله، منقول [است] که بر زمین خطی مستقیم کشیدند و خطوط دیگری در اطراف آن کشیدند و فرمود: این خط مستقیم وسطی طریقه من است. (صدرالمتالهین، ۱۳۶۱، ج ۴: ۵۲). در امر سیاست، شناخت صراط مستقیم و تعامل رهرو با راه باتوجه به ویژگیهای شخصی، شخصیتی، ملکات و شاکله فردی نقش تعیین کننده‌ای دارد.

نتیجه‌گیری

امام خمینی (ره) تمام اسلام را سیاسی می‌داند و معتقد است سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد. لذا احکام اخلاقی اسلام را هم سیاسی می‌داند. از اینرو شکل‌گیری مدینه فاضله و حکومت اسلامی را در گروه پیوند همه اجزاء دین از جمله امرسیاست و اخلاق می‌داند. امر سیاست و قوای انسان به شکل پیچیده‌ای درهم تنیده شده‌اند.

در امور سیاسی بدون توجه به فضایل و رذایل اخلاقی گام برداشتن در صراط مستقیم امری دشوار است. تشکیل حکومت اسلامی و توجه به امر سیاست موجب افزایش فضایل اخلاقی و کاهش رذایل اخلاقی می‌شود. از سوی دیگر گسترش فضائل اخلاقی باعث حاکمیت سیاستمداران و مدیران بافضیلت و شایسته می‌شود. بنابراین تقویت اخلاق، تقویت سیاست و تقویت سیاست تقویت اخلاق را بر عهده دارد.

امام خمینی (ره) بر این باور است که اسلام منهای سیاست جسدی بدون سر است و سیاست را منصب بشری پیامبر و ائمه نیست بلکه منصبی الهی است. انبیا شغل‌شان سیاست است و دیانت همان سیاستی است که مردم را از این جا حرکت می‌دهد و به همه چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است، هدایت می‌کند. امام، در واقع راهبر جامعه به صراط مستقیم است. او صراط شناس، راه‌دان، تکلیف شناس و راه شناس است. بنابراین راه‌شناسی از ویژگیهای انبیا و ائمه اطهار و به تبع آن علما و شخص ولی فقیه است. لذا برای امرسیاست و تشکیل حکومت اسلامی، مسئله انقلاب علیه حاکمان را مطرح نمود و از نظر شرعی و اخلاقی آنرا تئوریزه کرد.

ابتدا در حدیثی به تکالیف انسان در برابر خداوند اشاره نموده‌اند. پس از آن، به ضرورت قیام اشاره می‌نماید و آنرا به مسئله تکلیف در برابر خداوند گره می‌زند، به این معنا که قیام علیه ظالم تکلیفی است که خدا برعهده انسان نهاده است. از دیدگاه امام قیام علیه ظالمان تکلیف سختی نیست، بلکه شیطان آن را برای انسان سخت جلوه می‌دهد. در صورتی که قوای وهم و غضب و شهوت از جنود رحمانی باشند و موجب سعادت و خوشبختی انسان

گردند، مشروط به اینکه تسلیم عقل سلیم و انبیاء عظیم الشان نمایی. و ممکن است از جنود شیطانی باشند، اگر آن‌ها را سرخود گردانی و «وهم» را بر آن دو قوه با اطلاق عنان، حکومت دهی. حرکت در صراط مستقیم و حکومت قوه عاقله در انسان، جامعه را به همه چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است، هدایت می‌کند.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- احمدی سفیدان، حسین (۱۳۹۶). مشروعیت قدرت سیاسی در قرآن، **مجموعه مقالات قرآن و سیاست**، جلد اول، قم: مرکزین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- اشعیت، کارل (۱۳۹۳). **مفهوم امر سیاسی**، ترجمه یاشار جیرانی، رسول نمازی، تهران: ققنوس.
- بزرگر، ابراهیم (۱۳۹۰). **اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) سیاست به مثابه صراط**، تهران: سمت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). **تفسیر تسنیم**، قم: اسراء.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۹). **حقوق سیاسی اجتماعی در اسلام**، قم: دفتر نشر معارف.
- حریری، تجللا (۱۳۸۵). **اصول و روش‌های پژوهش کیفی**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- حرعاملی، محمدحسن (۱۴۰۹). **و سائل الشیعه**، قم: آل البیت لاحیاء التراث.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵). **روش‌شناسی علوم سیاسی**، قم: دانشگاه مفید.
- خمینی روح الله (۱۳۸۲). **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۱). **تقریرات فلسفه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۹). **صحیفه امام خمینی (ره)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۰). **شرح چهل حدیث**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست‌وسوم.
- صدرالمطالین، صدرالدین شیرازی محمد (۱۳۶۱). **تفسیرالقرآن الکریم**، قم: بیدار.
- صدرالمطالین، صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۸۲). **الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه**، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- صدرالمطالین، صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۵۴). **المبداً و المعاد**، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- طباطبایی سید محمدحسین (۱۳۶۲). **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- الطوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۵). **الإشارات و التنبیحات**، شرح المحقق الطوسی، قم: نشرالبلاغه.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۷). **الگوهای ارتباطی میان اخلاق و سیاست**، آیین، ش ۱۳-۱۴.
- فیرحی، داود (۱۳۷۸). **امام خمینی، اجتهاد و سیاست**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۹۲). **الکافی**، قم: انتشارات دارالحدیث، چاپ سوم.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۱). **دین در محدوده عقل تنها**، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، چاپ اول، تهران: نقش‌ونگار.
- لک زایی، نجف (۱۳۹۴). **اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لک زایی، نجف، لک زایی، رضا (۱۳۹۲). **نظام اخلاق سیاسی امام خمینی (ره)**، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال دوم، شماره ۶.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۰). **مرآة العقول**، قم: نور و حی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). **ترجمه و شرح مصباح الشریعه**، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- نادری، مهدی و حاجی حسن، ملیحه (۱۳۹۵). **ابعاد نظری و عملی تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). **مجموعه آثار مطهری**، تهران: صدرا.
- واعظی، احمد (۱۳۸۶). **درآمدی بر هرمنوتیک**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.